

اخبار

دیده‌بان سوریه:

۴۰ کامیون نظامی وارد پایگاه آمریکایی در حومه حسکه شدند



دیده‌بان به اصطلاح حقوق بشر سوریه گزارش داد که ۴۰ کامیون مملو از تجهیزات نظامی و لجستیکی، خودروهای زرهی و سلاح‌های سنگین به پایگاه ائتلاف آمریکایی در حومه قصرک در اطراف حسکه رسیدند که از استان دیرالزور می‌آمدند.

به گزارش ایسنا، این نهاد یادآور شد که در ۲ ژوئن، نیروهای آمریکایی یک عقب‌نشینی ناگهانی از دو پایگاه نظامی برجسته در حومه شرقی دیرالزور، در مناطق تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) یا (SDF) انجام دادند. به گزارش النشرة، این دیدهبانی توضیح داد که «فرایند عقب‌نشینی به تدریج از ۱۸ مه آغاز شد، زمانی که کاروان‌های آمریکایی شامل خودروهای زرهی و تجهیزات لجستیکی مشاهده شدند که مواضع خود در میدان نفتی العمر و میدان گازی کونیکو را در میان پروازهای شدید هواپیماهای ائتلاف آمریکایی ترک کردند».

سرنگونی ۹ پهپاد اوکراینی با پدافند هوایی روسیه



مقامات روسیه اوایل روز یکشنبه اعلام کردند که ۹ پهپاد اوکراینی در حمله اوکراین به مسکو منهدم شد و برای جلوگیری از خسارت، دو فرودگاه مسکو نیز تعطیل شده است.

به گزارش ایسنا، «سرگئی سوبیانین» شهردار مسکو در کانال تلگرامی خود نوشت، واحدهای دفاعی هوایی روسیه ۹ پهپاد را که به سمت مسکو در حرکت بودند، منهدم کردند.

وی ادامه داد، نیروهای امدادی به محل‌هایی که بقایای پهپاد در حمله شبانه سقوط کرده بود، اعزام شدند و خساراتی تاکنون گزارش نشده است. فرمانداران منطقه‌ای اعلام کردند که حمله یک پهپاد اوکراینی همچنین باعث آتش‌سوزی کوتاهی در کارخانه شیمیایی «آزوت» در منطقه «تولا» شد که دو نفر را زخمی کرد و هفت پهپاد دیگر نیز بر فراز منطقه «کالوگا» منهدم شدند.
هن دو منطقه نزدیک مسکو هستند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، سازمان هواپیمایی کشوری روسیه نیز در تلگرام اعلام کرد که برای اطمینان از ایمنی هوایی، پروازها در فرودگاه‌های «ونوکوو» و «دومودهوو» را متوقف کرده است.

روسیه و اوکراین در هفته‌های اخیر حملات خود را افزایش داده‌اند.

رای سنای آمریکا به حذف سوریه از فهرست کشورهای باغی

مجلس سنای آمریکا نام سوریه را از فهرست کشورهای موسوم به «باغی» حذف کرد.

به گزارش ایلنا به نقل از الیوم السابع، سنای آمریکا به قطعنامه‌ای رأی داد که بر اساس آن نام سوریه از فهرست کشورهای به اصطلاح باغی یا سرکش خارج می‌شود. مجلس سنای آمریکا قطعنامه‌ای را تصویب کرد که به حذف نام سوریه از فهرست غیررسمی موسوم به کشورهای باغی منجر می‌شود. فهرست کشورهای به اصطلاح باغی یا سرکش شامل کشورهایی است که ایالات متحده از همکاری با آن‌ها یا ارائه پشتیبانی در زمینه انرژی هسته‌ای غیرنظامی به آن‌ها منع شده است. کاخ سفید با انتشار پستی در شبکه اجتماعی «ایکس» اعلام کرد: «هرچند این طبقه‌بندی به طور رسمی از سوی دولت آمریکا نیست، اما سوریه از سال ۱۹۷۹ همچنان طبق اعلام وزارت خارجه ایالات متحده، به عنوان کشور حامی تروریسم فهرست شده است.» این طبقه‌بندی مجموعه‌ای از محدودیت‌های شدید، از جمله ممنوعیت کمک‌های خارجی، محدودیت صادرات و فروش تسلیحات، اعمال کنترل بر مواد با کاربرد دوگانه و همچنین تحریم‌های مالی و رویه‌ای دیگر را حفظ می‌کند.

وزارت بهداشت:

غزه در آستانه مرگ جمعی قرار دارد



مدیر کل وزارت بهداشت غزه اعلام کرد که این منطقه شاهد نسل کشی و پاکسازی نژادی بوده و در آستانه مرگ تدریجی قرار دارد. به گزارش خبرگزاری مهر، مدیر کل وزارت بهداشت غزه در گفتگو با شبکه خبری الجزیره اعلام کرد که مردم غزه در آستانه مرگ دسته جمعی قرار دارند و نسل کشی و پاکسازی نژادی در این مناطق انجام می‌شود. بر اساس این گزارش، پاکسازی نژادی در غزه از سوی اشغالگران با اهداف نظامی و برای برپایی شهرک‌های صهیونیست نشین انجام می‌شود. این بیانیه تصریح کرد که بیمارستان‌های غزه بدون دارو و برق است و مقادیر سوخت ذخیره شده نیز کفایت تداوم فعالیت این بیمارستان‌ها را نمی‌کند. بر اساس این گزارش، اشغالگران به عمد ساختارهای بهداشتی غزه را تخریب کرده‌اند و از این روند برای اجبار ساکنان به خروج از غزه استفاده می‌کنند.

عربستان سعودی و امارات، اکنون به واسطه نزدیکی بیشتر با واشنگتن و ارتباطات گسترده‌شان، در تلاش‌اند تا تعادل را بین رویکردهای دیپلماتیک غرب و خواسته‌های اسرائیل برقرار سازند

اتحادملت - گروه بین‌الملل - عاطفه عبدالهی‌نژاد؛ کشورهای خلیج فارس اکنون در تلاش‌های آمریکا برای دستیابی به توافقی جدید با ایران نقش برجسته‌ای ایفا کرده‌اند، نقش که نشان‌دهنده تغییر مهمی در جایگاه آن‌ها در معادلات دیپلماتیک منطقه است. اگرچه این کشورها یک دهه پیش در توافق هسته‌ای قبلی کنار گذاشته شده و دلخور شده بودند، امروز به قلب مذاکرات تبدیل شده‌اند. سیاست "اول آمریکا" که با ریاست جمهوری دونالد ترامپ شکل گرفت نه تنها نمایشی از کنار گذاشتن متحدان اروپایی سنتی بود، بلکه باعث شد کشورهای منطقه‌ای مثل عربستان سعودی و امارات متحده عربی بهره‌برداری بیشتری از تاثیرگذاری بر سیاست‌های واشنگتن داشته باشند. این تحول، فضای مناسبی برای قدرت‌های خاورمیانه ایجاد کرد تا وارد بازی سیاست خارجی ایالات متحده شوند.

تاخت‌وتاز دیپلماسی؛ از چندجانبه‌گرایی اوباما تا رویکرد دوجانبه ترامپ

در سال ۲۰۱۵، مذاکرات برای توافق هسته‌ای ایران (برجام) تحت دولت اوباما به شکل چندجانبه انجام شد و بریتانیا، آلمان، فرانسه، روسیه و چین بازیگرانی کلیدی بودند. اما ترامپ مسیر متفاوتی را انتخاب کرد؛ او رویکرد دوجانبه را ترجیح داد تا سریع‌تر به نتیجه دلخواه برسد و حتی تهدید نظامی را نیز برای فشار بر ایران به کار گرفت.

با این حال، تحولات منطقه‌ای هم به این تغییرات دامن زده‌اند. عربستان سعودی و امارات متحده عربی که قبلاً تنش بالایی با ایران داشتند و این کشور شیعه‌مذهب را تهدیدی برای منطقه می‌دانستند، اکنون ترجیح داده‌اند به جای مقابله آشکار، مسیر کاهش تنش را در پیش بگیرند. این تغییر نگرش، آن‌ها را از طرفداران سیاست

وقتی بازی تغییر می‌کند؛ میز مذاکره می‌چرخد

خلیج فارس در نقطه عطف توافق هسته‌ای



پس از این دیدار، رئیس‌جمهور ایران مهمان رسمی قطر شد و این حضور زمینه مهمی برای استریح ارتباطات دیپلماتیک بین طرفین فراهم کرد.

کشورهای خلیج فارس که زمانی نظاره‌گر روند مذاکرات بودند حالا خود به بازیگران اصلی تبدیل شده‌اند و نشانه‌هایی از تغییرات عمده در سیاست منطقه‌ای و جهانی مشاهده می‌شود، تغییراتی که می‌توانند آینده دیپلماتیک خاورمیانه را بازتعریف کنند.

تحولات اخیر در روابط دیپلماتیک میان ایران، کشورهای خلیج فارس مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی، و همچنین موضع‌گیری‌های اروپایی‌ها در خصوص پرونده هسته‌ای ایران، چشم‌اندازی پیچیده و چندلایه را ترسیم کرده است. این تحولات نه تنها معادلات سیاسی منطقه را تغییر داده‌اند، بلکه پیامدهایی جهانی به خصوص برای آینده همکاری در حوزه انرژی هسته‌ای و امنیت منطقه‌ای به همراه خواهند داشت.

در سال ۲۰۲۳، عربستان سعودی پس از یک دوره طولانی و پرتنش، مجدداً روابط خود با ایران را از سر گرفت. این حرکت به وضوح نشان داد که ریاض مصمم است نقش فعالی در ایجاد ثبات در منطقه خلیج فارس ایفا کند. یکی از اقدامات ویژه این کشور، سفر ولیعهد محمد بن سلمان به همراه وزیر دفاع خالد بن سلمان به تهران بود که منعکس‌کننده تمایل سعودی‌ها به گشودن باب همکاری و حمایت از گفت‌وگوهای احتمالی میان ایران و آمریکا بود. این دیدار که در سطوح بسیار بالا انجام شد، نخستین ملاقات در نوع خود طی دهه‌های اخیر بود و حاکی از تغییر رویکردی مهم در سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران است.

طبق گفته‌های یک مقام سعودی، پیام روشن

فشار حداکثری ترامپ در سال ۲۰۱۸ به پشتیبانان تلاش‌های دیپلماتیک فعلی تبدیل کرده است.

رونه‌های جدید دیپلماسی؛ از ریاض و ابوظبی تا تل‌آویو

عربستان سعودی و امارات، اکنون به واسطه نزدیکی بیشتر با واشنگتن و ارتباطات گسترده‌شان، در تلاش‌اند تا تعادل را بین رویکردهای دیپلماتیک غرب و خواسته‌های اسرائیل برقرار سازند. بنیامین نتانیاهو که مدافع اقدامات نظامی علیه ایران است، در این معادله با چالشی تازه روبه‌رو شده؛ چراکه سعودی‌ها با ترغیب واشنگتن به توافق با ایران، نفوذ بیشتری نسبت به اسرائیل پیدا کرده‌اند.

علی واعظ، کارشناس مسائل ایران در گروه بحران، این تغییر را "تحولی بزرگ" دانسته و گفته که هم‌اکنون آثار نفوذ سعودی‌ها بر تصمیم‌گیری‌های آمریکا بیشتر از اسرائیل است. او اشاره کرده که دوران تغییر سیاست‌گذاری ایران توسط تاثیر مستقیم نتانیاهو یا بن سلمان به نوعی تمام شده است و حالا قدرت مانور ریاض بیشتر شده است.

امکانات دیپلماتیک خلیج فارس؛ از عمان تا قطر
گفت‌وگوهای میان آمریکا و ایران با واسطه‌گری عمان آغاز شده بود؛ کشوری که همیشه تلاش کرده نقش بی‌طرفانه‌ای در منطقه ایفا کند. عمان پیش‌تر میزبان مذاکرات محرمانه‌ای میان تهران و دولت اوباما بوده و این طراحی تاثیر زیادی در مسیر رسیدن به توافق تاریخی برجام داشت.

این بار اما قطر نیز وارد میدان شده است. این کشور کوچک ولی استراتژیک، میزبان بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه بوده و روابط پررنگی با ایران دارد. ملاقات وزیر خارجه ایران با نخست‌وزیر قطر درست پیش از سفر ترامپ به خلیج فارس، نمایشی آشکار از نفوذ دوحه در مذاکرات غیرمستقیم واشنگتن-تهران بود. اندکی

واشنگتن پست مطرح کرد

چین برنده اصلی بهود روابط افغانستان و پاکستان

روزنامه آمریکایی واشنگتن‌پست در گزارشی نوشت که توافق اخیر افغانستان و پاکستان برای ازسرگیری روابط دیپلماتیک و گسترش راهگذر اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) به کابل، می‌تواند چین را به بازیگر اصلی در منطقه و پیروز بهبود روابط کابل-اسلام‌آباد تبدیل کند.

به گزارش روز شنبه ایرنا، در جلسه‌ای در ماه مه (اردیبهشت ماه) در شهر پکن، افغانستان و پاکستان پس از سال‌ها وخامت روابط و افزایش خشونت‌های مرگبار در امتداد مرز مشترکشان، توافق کردند که روابط دیپلماتیک در سطح سفیر را از سر بگیرند. همچنین از افغانستان دعوت شد تا به کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) که یک پروژه زیرساختی چند میلیارد دلاری پکن است، بپیوندد. افغانستان به شدت به سرمایه‌گذاری اقتصادی برای فائق آمدن بر تحریم‌های غرب و کاهش ارائه کمک‌های جهانی نیاز دارد. پاکستان درگیر شورش‌های متعدد از سوی گروه‌های تروریستی است و تمایل دارد تا مرز غربی بی‌ثبات خود را تثبیت کند، چین به طور فزاینده‌ای از حملات تروریستی به پروژه‌های زیرساختی خود در پاکستان ناامید شده است. تحلیلگران می‌گویند که پکن احتمالاً مشتاق است تا وجهه خود را به عنوان یک میانجی قدرتمند دیپلماتیک تقویت کند و جایگزینی برای غرب باشد. هفته گذشته، چین یک سازمان بین‌المللی میانجیگری در هنگ کنگ راه‌اندازی کرد که به گفته وانگ یی، وزیر امور خارجه این کشور، هدف آن «بر کردن شکاف» در سیاست جهانی است.

لیوزونگی، تحلیلگر موسسه مطالعات بین‌المللی شانگهای، یک‌اندیشکده وابسته به دولت در چین، گفت: با شانه خالی کردن [رئیس جمهور] دونالد ترامپ و آمریکا از مسوولیت، سایر کشورها باید مسوولیت‌پذیرند.

مقامات پاکستانی تاکید کردند که این توافق شامل تعهدی از سوی حکومت سرپرست طالبان برای جلوگیری از فعالیت‌های تروریستی در افغانستان است. اسلام‌آباد مدت‌هاست که کابل را به تحریک شورش فرامرزی توسط تحریک طالبان



پاکستان یا طالبان پاکستان، متهم کرده است. سران کابل حمایت یا پناه دادن به تحریک طالبان پاکستان را انکار می‌کنند. فعالیت‌های تروریستی در امتداد مرز سرمایه‌گذاری‌های CPEC چین در استان‌های جنوب غربی و شمال غربی پاکستان، از جمله خطوط راه‌آهن، بنادر آب‌های عمیق، خطوط لوله نفت و گاز طبیعی و مناطق صنعتی را تهدید کرده است. از سال ۲۰۲۱ تاکنون دستکم ۲۰ تبعه چینی در این کشور کشته شده‌اند و پکن به تازگی از پاکستان خواسته است که «اقدامات موثری برای حفاظت از امنیت شهروندان، نهاده‌ا و پروژه‌های چینی» انجام دهد.

CPEC بخش مهمی از طرح ابتکاری و تریلیون دلاری کمربند و جاده چین است و به مدت یک دهه، مقامات پکن در مورد احتمال گسترش کریدور اقتصادی چین و پاکستان به افغانستان صحبت کرده‌اند.

به نوشته واشنگتن پست، طالبان افغانستان مدت‌هاست که در مقابله با تحریک طالبان پاکستان در مناطقی که چین امیدوار است حضور اقتصادی خود را در آنجا گسترش دهد، تردید دارد. بسیاری از اعضای حکومت در کابل، طالبان

پاکستان را برادران خود می‌دانند و حکومت مرکزی کابل را تحت فشار قرار داده‌اند تا به طور علنی از طالبان پاکستان حمایت کند.

با این حال، تحلیلگران در اسلام‌آباد می‌گویند که

این سفر به رهبران ایران این بود: عربستان مشتاق حفظ گفت‌وگو و اجتناب از هرگونه تنش با اقدامی خصمانه است. علاوه بر آن، سعودی‌ها خواستار همکاری تهران با آمریکا بودند تا از تشدید تنش‌ها جلوگیری شود. اما در پس پرده این تمایل برای صلح، هراس کشورهای منطقه درباره عواقب شکست مذاکرات و امکان وقوع جنگی تمام‌عیار همچنان پابرجاست. چنین جنگی می‌تواند اهداف حساسی همچون تأسیسات نفتی را مستقیماً هدف قرار دهد یا از طریق حملات نیابتی، خسارات جبران‌ناپذیری به زیرساخت‌های استراتژیک وارد کند.

در این میان، امارات متحده عربی نیز با ایفای نقش واسطه و برگزاری مذاکرات پشت پرده، تلاش کرد تا فضایی مناسب برای تعامل کشورهای منطقه با ایران فراهم آورد. دیدارهایی نظیر ملاقات میان دیپلمات ارشد ایران و وزیر امور هسته‌ای در تضمین ثبات منطقه، نشانه‌هایی قوی از تغییر رویکرد دیپلماتیک این کشورهاست. این رویکرد در تضاد آشکار با ناامیدی مشترک آن‌ها از دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما است؛ دوره‌ای که کشورهای خلیج فارس احساس کردند در معادلات بزرگ‌تر هسته‌ای نادیده گرفته شده‌اند.

نقش کشورهای خلیج فارس در آینده هرگونه توافق هسته‌ای نیز جالب توجه است. شایعاتی درباره امکان تشکیل کنسرسیومی برای همکاری منطقه‌ای و غنی‌سازی اورانیوم مطرح شده است؛ ایده‌ای که می‌تواند نیازهای امنیت انرژی برخی کشورها مانند عربستان و امارات را برآورده سازد و در عین حال نگرانی‌های بین‌المللی درباره بلندپروازی‌های هسته‌ای ایران را کاهش دهد. این رویکرد می‌تواند مسیری کاملاً جدید برای همکاری منطقه‌ای باز کند، آن هم در منطقه‌ای که بیشتر به اختلافات شهرت دارد تا اتحاد.

اما در سوی دیگر معادله، کشورهای اروپایی که زمانی نقشی کلیدی در مذاکرات هسته‌ای ایفا می‌کردند، اکنون به حاشیه رانده شده‌اند. کاهش نفوذ اروپایی‌ها که ناشی از چند عامل از جمله ناکامی در تحقق منافع اقتصادی ایران پس از خروج ترامپ از برجام و افزایش تنش‌ها با تهران است، وضعیت پیچیده‌ای ایجاد کرده است. از یک سو کشورهای اروپایی نگران پیشرفت‌های چشمگیر ایران در برنامه هسته‌ای هستند و از سوی دیگر تهدید به فعال‌سازی سازوکار اسنپ‌بک (تازگشت سریع تحریم‌ها) را مطرح کرده‌اند تا شاید تهران را وادار کنند به تعهدات خود بازگردد.

این مسئله برای اروپایی‌ها پیامدهای ناگواری دارد. همان‌طور که صنم وکیل اشاره کرده است، حاشیه‌نشینانی اروپا دقیقاً همان کسانی است که آن‌ها نمی‌خواستند باشند. عدم حضور در میز اصلی مذاکرات باعث شده تا مسائل و دغدغه‌های آنان کمرنگ شود و رابطه‌شان با ایران در معرض خطر بیشتری قرار گیرد.

تداوم اعتراضات در لس آنجلس؛ سرکوب معترضان با اعزام گارد ملی

همزمان با ادامه رویارویی ماموران فدرال با صدها نفر از معترضان به سیاست‌های مهاجرتی دونالد ترامپ، دولت آمریکا اعلام کرد که دو هزار نفر از نیروهای گارد ملی را برای مقابله با معترضان اعزام خواهد کرد.

به گزارش ایرنا، رویترز نوشت، ترامپ روز گذشته در دومین روز اعتراضاتی که به دلیل یورش نیروهای پلیس و دستگیری تعدادی به دلیل نقض قوانین مهاجرتی رخ داد، دستور استقرار گارد ملی را صادر کرد.

پیث هکست وزیر دفاع آمریکا نیز هشدار داد که «در صورت تداوم خشونت»، پنتاگون نیروهای مسلح را بسیج می‌کند. وی همچنین گفت که تئنگداران دریایی در کمپ «پندلتون» در همان نزدیکی «در حالت آماده‌باش کامل» بسر می‌برند.

ماموران امنیتی فدرال روز گذشته در معترضان در منطقه «پارامونت» در جنوب شرقی لس‌آنجلس درگیر شدند، در این اعتراضات برخی از شرکت کنندگان، پرچم‌های مکزیک را به نمایش گذاشته بودند. دومین اعتراض شب شنبه در مرکز شهر لس‌آنجلس با مشارکت حدود ۶۰۰ نفر برگزار شد. معترضان شعارهایی از جمله «سازمان مهاجرت و گمرک آمریکا از لس‌آنجلس برود!» می‌دادند.

کاخ سفید در بیانیه ای اعلام کرد که ترامپ یادداشتی را برای اعزام نیروهای گارد ملی به منظور «رسیدگی به بی‌قانونی که اجازه داده شده گسترش یابد» امضا کرده است.

در همین حال سزار مرزی ترامپ در گفت‌وگو با شبکه خبری فاکس نیوز، اعزام گارد ملی به لس آنجلس را از روز شنبه تایید کرد. جی دی ونس معاون رئیس جمهور اواخر روز شنبه در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: شورشیان با حمل پرچم‌های خارجی به مأموران اجرای قانون مهاجرت حمله می‌کنند، در حالی که نیمی از رهبری سیاسی آمریکا تصمیم گرفته‌اند که اجرای قانون در مرزها اهریمنی است.

استفن میلر دستیار ارشد کاخ سفید و از تندروهای سیاست‌های مهاجرت، اعتراضات را «شورش خشونت‌آمیز» توصیف کرد.

دو مقام آمریکایی که خواستند نامشان فاش شود، به رویترز گفتند که دولت به قانون شورش استناد نکرده است. یکی از آنها گفت که نیروهای گارد ملی می‌توانند به سرعت، و در برخی موارد ظرف ۲۴ ساعت، مستقر شوند و ارتش در تلاش است تا دو هزار نیرو را تأمین کند. قانون ۱۸۰۷ آمریکا به رئیس جمهور این کشور اختیار می‌دهد تا ارتش را برای اجرای قانون و سرکوب رویدادهایی مانند بی‌نظمی مدنی مستقر کند. آخرین بار که به این قانون استناد شد، در جریان شورش‌های لس‌آنجلس در سال ۱۹۹۲ به درخواست فرماندار کالیفرنیا بود.

ترامپ متعهد شده است که تعداد بی‌سابقه‌ای از افراد غیرقانونی را از کشور خارج کند و مرز آمریکا و مکزیک را بندد. کاخ سفید اداره گمرک و مهاجرت را وادار کرده که دستکم سه هزار مهاجر را در روز دستگیر کند. اما سرکوب گسترده دولت ترامپ به بهانه مهاجرت غیرقانونی، افرادی را که به طور قانونی در این کشور اقامت دارند، از جمله برخی با اقامت دائم را نیز گرفتار کرده و منجر به چالش‌های قانونی شده است.